خبرها

ضرورت فعال شدن اصلاح طلبان در پرونده هسته‌ای

آفتاب: «محمد مقدم» عضو شورای مرکزی روحانیون مبارز با تاکید بر تغییر گفتمان حاکم در پرونده هسته‌ای ایران از سوی مسئولان ابراز امیدواری کرد که در آینده اجماعی از سوی اصلاح طلبان برای تغییر این گفتمان صورت گیرد. وی گفت: «اصلاح طلبان و اصولگرایان در مورد اینکه انرژی هسته‌ای را لازمه توسعه می‌دانند اجماع دارند، اما آنچه موجب اختلاف این دو دیدگاه شده است نوع تاکتیک‌های بین‌المللی و نیز گفتمان ویژه‌ای است که از سوی یک گروه به اعتمادسازی جهانی می‌انجامید و از سوی گروه دوم به نگرانی‌های جهانی.» «مصطفی درایتی» عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت نیز با اعلام این مطلب که مواضع اتخاذ شده رسمی در مورد مسئله هسته‌ای نظر کل اشخاص و احزاب نیست از اصلاح طلبان خواست تا مواضع خود را در خصوص پرونده هسته‌ای ایران اعلام کرده و به نقد مواضع دولت در مورد این پرونده بپردازند. وی گفت: «تاکنون اصلاح طلبان به خاطر منافع ملی در پرونده هسته‌ای هیچ انتقاد جدی از مواضع دولت نکرده‌اند و تنها به گوشزد کردن نکات خطر اکتفا کرده‌اند. اما با توجه به اینکه پرونده وارد موقعیت حساسی شده اصلاح طلبان باید به میدان بیایند و با نقد سازنده، به ارائه راهکارهای مفید کمک کنند.»

تحکیم جبهه می‌شود

ایسنا: «حنیف یزدانی» دبیر کمیسیون فرهنگی دفتر تحکیم وحدت گفت: «در دفتر تحکیم باید روی تفکر جبهه‌ای کار کنیم و به سمت پر کردن شکاف‌ها برویم چرا که تفکر حزبی در تحکیم جوابگو نیست.» یزدانی همچنین شکاف‌های علمی در تحکیم را منجر به پایین آمدن کارایی این تشکل ارزیابی کرد و گفت: «کمبود امکانات، نگاه‌های امنیتی، طیف‌های ساختگی و مسائل مالی مشکلات تحمیلی تحکیم از خارج از مجموعه هستند، البته مشکلات درونی دیگری هم در تحکیم وجود دارد و نقدهای زیادی بر آن وارد است.»

توجه به رسانه‌های بیگانه در نوروز

آفتاب: «هادی خانیکی» عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت با انتقاد از تعطیلی مطبوعات در ایام نوروز گفت: «تعطیلات نوروزی به خودی خود آبستن حوادث زیادی از نظر سیاسی ـ اجتماعی هست که در صورت تعطیلی فضای اطلاع‌رسانی جامعه در این ایام، مردم به سمت رسانه‌های بیگانه که به شایعه‌پراکنی می‌پردازند، گرایش پیدا می‌کنند.» وی افزود: «در آغاز سال ۸۵ شاهد اوج گیری فعل و انفعالات مربوط به پرونده هسته‌ای کشورمان هستیم که به این علت جای خالی مطبوعات در این ایام به چشم آمد.» معاون فرهنگی سابق وزارت علوم ادامه داد: «در جوامع توسعه‌یافته شاهد هستیم که در تمام آنها نشریاتی فقط به منظور انتشار در ایام تعطیل شکل گرفته‌اند که بارزترین مثال آن نشریه «ساندی تایمز» است.» خانیکی در پایان تاکید کرد: «به نظر می‌رسد که تعطیلی نوروزی مطبوعات در ایران و همچنین تیراژ پایین بیش از هر چیز ناشی از پایین آمدن حساسیت نسبت به اطلاع‌رسانی در جامعه است.»

ایراد از سهم یارانه ۱۵ حزب

ایلنا: کمیسیون ماده ۱۰ احزاب با ایراد به نحوه سهمیه‌بندی یارانه احزاب در مورد ۱۵ حزب و تشکل سیاسی، گزارش آن را مجدداً به دبیرخانه کمیسیون ارجاع داد. اعضای کمیسیون ماده ۱۰ احزاب نسبت به مقدار امتیازی که دبیرخانه برای ۱۵ حزب و تشکل سیاسی قائل شده بود ایراد داشت که آن را برای بررسی مجدد به دبیرخانه ارجاع داد و قرار است نتیجه بررسی‌ها تا شنبه هفته آتی برای تصویب نهایی به کمیسیون ماده ۱۰ اعلام شود. مهلت پرداخت یارانه احزاب تا آخر فروردین ماه است و با توجه به عدم اختصاص ردیف بودجه احزاب در بودجه سال ۸۵ به احتمال زیاد این آخرین یارانه‌ای است که به احزاب پرداخت می‌شود و تا این لحظه ردیف خاصی برای پرداخت یارانه به احزاب از سوی وزارت کشور تعیین نشده است.

اطلاعیه دفتر تحکیم درباره زلزله لرستان

ایلنا: دفتر تحکیم وحدت در اطلاعیه‌ای با ابراز تاثر از درگذشت جمعی از هموطنان در زلزله استان لرستان، خواستار رسیدگی به موقع به وضعیت آسیب دیدگان این حادثه شد. در این اطلاعیه آمده است: «دفتر تحکیم وحدت این ضایعه را به مصیبت دیدگان تسلیت عرض نموده و خود را در این غم بزرگ شریک آنان می‌داند و از دوستان خود در انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه لرستان می‌خواهیم هر چند به دلیل تصمیم مسئولان دانشگاه فعالیتشان در تعلیق است، به یاری هموطنان زلزله‌زده شتافته و از سایر دانشجویان و نهادهای مدنی برای کمک‌رسانی به آسیب دیدگان طلب یاری می‌کنیم. از نهادهای مسئول نیز انتظار داریم عملیات امدادرسانی را چون دفعات قبل مشمول صرف زمان و سوءمدیریت نکرده و امید است با کمک‌رسانی به موقع تکرار تجربه‌های بم و زرند را شاهد نباشیم. آرزومندیم هرچه سریع‌تر شاهد سلامتی مجروحان و بازسازی ویرانی‌ها باشیم.»

اعلام شرایط عضویت در انصار حزب‌الله

آفتاب: روابط عمومی انصار حزب‌الله با صدور اطلاعیه‌ای چگونگی عضویت در این تشکل را اعلام کرد. در این اطلاعیه آمده است: «در پی گسترش کمی و کیفی حوزه عمل برادران انصار حزب‌الله در تهران و شهرستان‌ها و لزوم مراعات قوانین و میثاق‌های جمعی توسط اعضای انصار جهت جلوگیری از تشتت و تفرق و تحکیم (ید واحده) در موضع گیری و عملکردهای اجتماعی، برادران موسس انصار حزب‌الله طی نشست‌های متعدد ضوابط و مقررات ذیل را جهت برادران مرتبط با انصار حزب‌الله توصیه می‌نماید: ۱- مقید بودن به ویژگی‌های قرآنی و روایی حزب‌الله، ۲- نداشتن ارتباطات جناحی و تشکیلاتی با گروه‌ها و احزاب و انجمن‌ها، ۳- نداشتن محذورات استعلامی در موارد جرایم منکراتی و کیفری و اخلاقی، ۴- اهل انجام فرایض فردی و مستحبات عبادی سیاسی مثل نماز جمعه، مجالس دعا بودن، ۵- جزء افراد متمول و مرفه نبودن و از طبقات متوسط و پایین جامعه بودن.»

دراویش گنابادی احضار شدند

ایلنا: «محمد شریف» سخنگوی کانون مدافعان حقوق بشر گفت: در جلسه شورای عالی نظارت کانون مدافعان حقوق بشر که با حضور تمامی اعضا برگزار شد، ضمن مذاکره در مورد پرونده اتهامی عبدالفتاح سلطانی و اتخاذ تصمیمات لازم در این خصوص، پرونده واقعه حسینیه دراویش گناباد مطرح شد و شورای عالی نظارت کانون تصمیم به ورود به پرونده گرفت. از سوی دیگر، برخی متهمین پرونده مربوط به حادثه حسینیه دراویش گنابادی به دادسرای استان قم احضار شدند. «محمد سیف‌زاده» از وکلای این افراد گفت: «متهمین این پرونده برای روزهای شانزدهم، هفدهم و هجدهم فروردین ماه جاری به دادسرای قم احضار شده‌اند.»

بحثی درباره فعالیت در عرصه عمومی

هدف‌های مرحله‌ای - راهبردی

حبیب‌الله پیمان

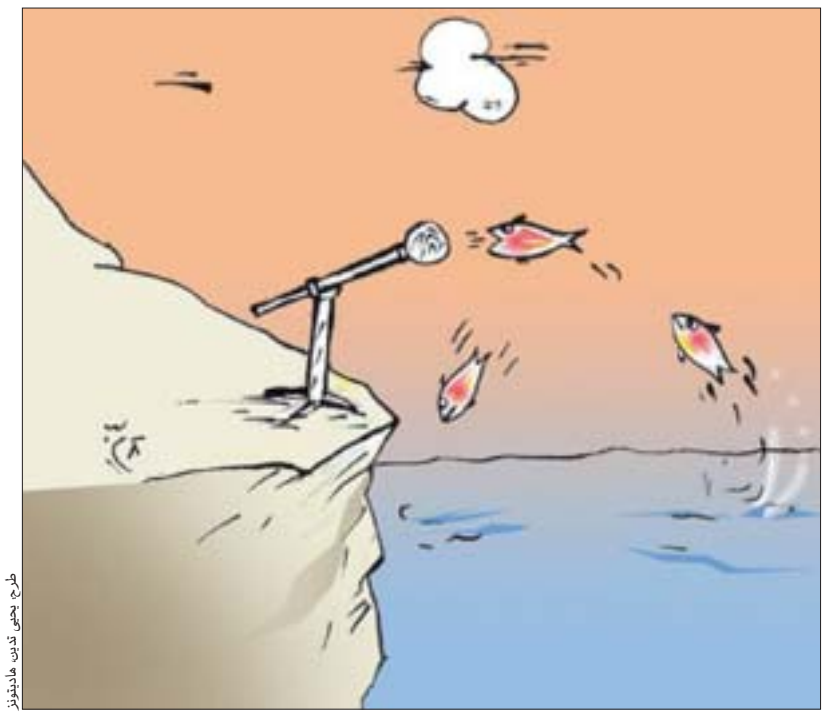

طرح: یحیی تدین هادیشوز

هدف از فعالیت در عرصه عمومی، برقراری یک جریان گفت‌وگو و تعامل فعال و خلاق میان نیروهای سیاسی و اجتماعی و فکری جامعه است تا در اثر آن خودآگاهی‌های اجتماعی توسعه و ارتقا پیدا کنند و با وفاق و همبستگی افقی که میان نیروهای جامعه پدید می‌آید، توانایی کاربرد آزاد و آگاهانه ارزش‌های مادی و غیرمادی را که تولید می‌کنند، به دست آورند. یعنی به جای آنکه اجازه دهند مازاد و تولید ارزش‌های مادی و غیرمادی‌شان در کانون‌های خارج از مالکیت و نظارت آنان انباشت و مصرف شود و علاوه بر ایجاد موجب محرومیت و معطل ماندن نیازها و فلج شدن استعدادها، متجاوزان و سلطه‌جویان را در پایمال کردن حقوق انسانی‌شان توانا سازد، به دست خود و تحت نظارت دموکراتیک و مدیریت و خردگرای جمعی برای تحقق هدف‌های توسعه پایدار و رشد و شکفتگی وجودی خود به کار گیرند. در جامعه‌های دموکراتیک، سطح بالای آگاهی و سازمان‌یافتگی نیروهای اجتماعی و رشد و قدرت نهادهای جامعه مدنی به مردم اجازه می‌دهد تصمیمات و اقدامات حکومت و تولید و توزیع و گردش قدرت و نحوه اعمال آن را در جامعه تحت نظارت خود درآورند و کاربرد آنها را در جهت مصالح عمومی و حراست از حقوق و آزادی‌ها تضمین کنند. با این راهبرد، نیروهای اجتماعی و گروه‌ها و احزاب و سازمان‌های مدنی صرف‌نظر از تفاوت‌های دینی و مسلکی یا قومی و جنسیتی بی‌آنکه همگی مستقیماً وارد حوزه حکومت شوند و تصدی مدیریت‌های کلان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را در دست گیرند، قادر خواهند بود متناسب با وزن اجتماعی‌شان سهم خود را در نظارت و تاثیرگذاری بر سازوکار حکومت و مشارکت در نظام تصمیم‌گیری به دست آورند. بدیهی است اگر شرایطی که برای گفت‌وگو و تعامل آزاد و خلاق در عرصه عمومی لازم است، فراهم نباشند، این فرایند شکل نمی‌گیرد یا با کندی و ناپیوستگی پیش خواهد رفت.

پرسش‌های موجود در غیبت حداقل شرایط مزبور، جریان تعامل و گفت‌وگوی انتقادی محدود شده و به سوی صفر میل می‌کند. به همین خاطر نیروها و گروه‌های اصلاح طلبی که بر راهبرد فعالیت در عرصه عمومی تاکید دارند و آن را بر راهبرد ورود در حوزه حکومت و کنترل مستقیم نهادهای دولتی مقدم می‌شمارند، باید ابتدا به این پرسش پاسخ دهند که در شرایط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی موجود، فعالیت موثر در عرصه عمومی تا چه اندازه امکان‌پذیر است؟ و اگر موانع جدی در برابر کار در این عرصه وجود دارد، آیا شناسایی این مشکلات و موانع و چگونگی فائق آمدن بر آنها نباید در دستور کار قرار گیرند؟ به نظر جواب مثبت است. این موانع و محدودیت‌ها از چه نوع هستند و شرایط ضروری شکل‌گیری و استمرار فعالیت در عرصه عمومی کدامند؟

۱- در صدر این شرایط آزادی بیان قرار دارد. برای برقراری جریان گفت‌وگوی آزاد، باید اصل و برابری حق آزادی تولید، تبادل و بیان اندیشه حول مسائل گوناگون سیاسی، اجتماعی، فلسفی، دینی یا هنری برای کلیه افراد و گروه‌ها بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های سیاسی، قومی و یا جنسیتی، قانوناً تضمین شود. حق آزادی بیان با داشتن آزادی عقیده مرتبط است ولی یکی نیستند. استفاده از حق آزادی عقیده و بیان از سوی بسیاری از شهروندان و گروه‌ها و نیروهای سیاسی و صاحبان عقاید سیاسی و مسلکی متفاوت با عقاید رسمی نباید با دشواری‌های جدی و موانع حقوقی و حقیقی روبه‌رو شود. شاید اگر موانع و محدودیت‌های موجود در برابر آزادی بیان با موانع و مشکلات دیگری که خواهیم گفت، همراه نباشد به تنهایی مانع از آغاز جریان گفت‌وگو و تعامل اجتماعی در عرصه عمومی نشود. هرچند توسعه و تعمیق آن را کند و با دشواری روبه‌رو می‌سازد.

۲- امنیت، اگر نه بیشتر ولی به همان اندازه آزادی بیان حائز اهمیت است. در اینجا تاکید بر امنیت فردی و اجتماعی برای فعالیت در عرصه عمومی است که تنها در سایه قوانین عادلانه و یک دستگاه قضایی مستقل، قدرتمند و متعهد به حمایت از اصول برابری و عدالت تامین شدنی است. امنیت قضایی پایه اصلی وجوه دیگر امنیت در عرصه‌های زندگی فکری و عقیدتی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و آفرینش فرهنگی است. قوانین ناقص، نارسا و ناعادلانه و غیردموکراتیک که مبهم و قابل تفسیرهای موسع هستند نیز می‌توانند بر ضد حقوق مسلم افراد عادی و ضعیف و یا تنبیه مخالفان فکری و سیاسی استفاده شوند.

۳- سومین شرط ضروری برای فعال شدن نیروها در عرصه عمومی، تامین سطح مناسب و قابل قبولی از رفاه و امنیت اقتصادی و عدالت اجتماعی است. افرادی از قشرهای اجتماعی که زیر خط فقرند، یا بیکارند و یا درآمد آنها برای نیازهای اساسی و اولیه آنها مطابق استانداردهای جهانی کفایت نمی‌کند، به لحاظ ذهنی، عاطفی و عملی توان و یا آمادگی لازم را برای شرکت فعال و سازنده در گفت‌وگو و تعامل اجتماعی و فکری و اعمال نظارت سازمان‌یافته و سیستماتیک بر تصمیمات و اقدامات حوزه و حکومت ندارند.

در جامعه‌ای که قشرهای میلیونی مردم در فقر و بیکاری به سر می‌برند و اکثراً امید به بهبودی شرایط زیست را از دست داده باشند انگیزه‌ای برای مشارکت فعال و آگاهانه در حیات اجتماعی و سیاسی و فکری جامعه وجود ندارد. اشتغال دائمی به کار یا جست‌وجوی کار برای تامین حداقل مایحتاج زندگی و فرسودگی جسمی و روحی و فکری ناشی از تلاش‌های بی‌ثمر و تحمل فشارهای مداوم هزینه‌های زندگی که با مشاهده بی‌عدالتی و تبعیض و اختلاف سطح زندگی میان خود و طبقه ثروتمند و صاحب قدرت تشدید می‌شود، مجال و شور و نشاطی برای ورود در فعالیت‌های اجتماعی و فردی خودآگاهانه باقی نمی‌گذارد.

فراموش نکنیم که نیروهای فعال و اثرگذار در عرصه عمومی و طرف‌های گفت‌وگو، انسان‌های خودآگاه و آزادی هستند که بر پایه شعور و وجدان مستقل خود وارد تعامل‌های اجتماعی و همبستگی و همکاری با دیگران می‌شوند. بنابراین کوشش‌های جمعی نیروهای دموکرات در وهله اول باید روی پروژه‌هایی متمرکز شود که متضمن امنیت، آزادی عقیده و بیان و تامین رفاه و عدالت اجتماعی برای همه مردم باشد.

این هدف‌ها برای مردم به اندازه کافی روشن، ملموس و عینی بوده و فوریت دارند که توجه و علاقه آنان را به این کوشش‌ها جلب می‌کند و تدریجاً به حمایت از آنها بسیج می‌شوند، نتایج انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری تا حدود زیادی، حساسیت توده‌های محروم و کم‌درآمد جامعه را به مسئله رفع فقر و بی‌عدالتی آشکار ساخت. آزادی بیان نیز برای قشرهای تحصیلکرده و طبقات متوسط جامعه و روشنفکران و لایه‌های آگاه‌تر جامعه، اهمیتی کمتر از دو مقوله دیگر ندارد.

■ ویژگی‌های قابل توجه اجتماعی

در اینجا یک نکته حائز اهمیت وجود دارد و آن این که، تحقق هدف‌های سه‌گانه راهبردی و مرحله‌ای مزبور، ملازمت فوری با ایجاد تغییرات ساختارشکنانه در نظام حقوقی کشور و یا تغییر کامل ساختار حقیقی آن ندارد. به همین خاطر مقاومت نیروهای در قدرت در برابر این خواسته‌ها منطقاً آنقدر نخواهد بود که انجام هر نوع فعالیت موثری را در این زمینه ممتنع سازد. به عکس در جریان یک رشته گفت‌وگوی انتقادی و روشنگرانه، دست‌کم برخی از جریانات درون قدرت و بیش از آن، بخش‌هایی از نیروهای بدنه و پایگاه‌های اجتماعی آنان- به ضرورت اقدام در جهت تامین این هدف‌ها اذعان خواهند کرد. هرچند این پذیرش بنا به ضرورت حفظ مصالح خود صورت گیرد. افزون بر آن، فشارهای سیاسی و اجتماعی هرچند مسالمت‌آمیز اما مداوم و نیز فشار مشکلات اقتصادی و خطر کاهش مشروعیت و مقبولیت اجتماعی احساس خواهند شد، لذا برای جلوگیری از تشدید نارضایتی‌ها و سخت شدن بحران‌ها و خلع سلاح مخالفان به تدریج با خواسته‌های مردم و ایده‌های روشنفکران همساز خواهند شد.

به هر میزان که آزادی، امنیت و رفاه و عدالت بیشتر بر جامعه سایه افکن شود، تحرک اجتماعی و فکری در عرصه عمومی افزایش می‌یابد، گفت‌وگو و تعامل سازنده و مثبت میان افراد و نیروها بهتر و آسان‌تر جریان می‌یابد و روند تجمع و همبستگی نیروها در درون نهادها و تشکل‌های صنفی و مدنی و احزاب سیاسی پیشرفت بیشتری خواهد کرد. همراه با آن، قدرت تاثیرگذاری نیروهای اجتماعی و اراده عمومی بر رفتار مسئولان فزونی خواهد یافت. یک شرط اصلی موفقیت این پروژه مرحله‌ای (راهبردی) این است که نیروهای فعال جامعه روی آن اتفاق نظر داشته و متحد عمل کنند و این کار را مقدمه ضروری هر نوع اقدام در جهت تحقق آرمان‌ها و اهداف فراتر بدانند و از چپ‌روی یا راست‌روی به دقت پرهیز کنند. ویژگی تکثر نیروها و قشرهای اجتماعی و جریان‌های فکری و سیاسی و قومی ایران و وجود گرایش‌های مذهبی و سیاسی متنوع در میان طیف سنت‌گرایان، اجازه استیلای انحصاری درازمدت جریان افراطی را نمی‌دهد، در جامعه متکثر ایران، برقراری امنیت و ثبات پایدار و صلح و همکاری و مدارا میان نیروهای مختلف جامعه شرط ضروری حراست از منافع ملی و توسعه پایدار و حل معضلات پیچیده اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی است و این امر محقق نمی‌شود مگر آنکه حقوق برابر همه گروه‌ها و شهروندان ازجمله حق مشارکت سیاسی همگان در نظام تصمیم‌گیری و مدیریت کلان کشور به رسمیت شناخته و مراعات شود. شواهد تاریخی نشان می‌دهند که هر زمان یک نیرو از میان مجموعه نیروهای متکثر جامعه ایران، قدرت سیاسی، امتیازات اقتصادی و ابزار و امکانات تولید و عرصه فرهنگی را به خود اختصاص داده و دیگر اقشار و نیروها را از این حقوق محروم یا در وضعیت نابرابر نگاه داشته است شکاف بی‌اعتمادی میان دولت و ملت افزایش یافته، تضادها و خصومت‌ها تشدید و تمایلات نامداراگرایانه تقویت و همبستگی ملت روی ارزش‌های مشترک ملی و دینی تضعیف شده و منطق ستیز و خصومت به جای صلح و همکاری نشسته است. در نبود شرایط ضروری و فرهنگ مدارا برای گفت‌وگوی انتقادی و در حاکمیت منطق ستیز و دشمنی، همبستگی نیروهای اجتماعی و سیاسی روی منافع ملی و آرمان‌های مشترک اجتماعی سست و ضعیف می‌شود و نیروهای اجتماعی نیز برای تامین حقوق تضییع شده و رفع تبعیض و محرومیت از خویش متقابلاً به همان منطق ستیز و دشمنی که علیه آنان به کار برده شود متمسک می‌شوند. آنان سعی خواهند کرد بی‌اعتنا به اهداف مشترک ملی و عمومی، مطالبات خاص خود را از هر طریقی که سودمند تشخیص دهند، دنبال کنند و چون راه‌های پیگیری مسالمت‌آمیز و قانونی خواسته‌ها و بیان انتقادات تنگ می‌شود و عقاید و دیدگاه‌های مختلف آزادانه و به‌طور صریح و شفاف در معرض نقد و ارزشیابی قرار نمی‌گیرند، از یک‌سو نارضایتی‌ها انباشت می‌شود و راه‌های غیرمتعارف و پرهزینه جست‌وجو می‌شود و از سوی دیگر گرایش‌های ایدئولوژیک افراطی و تمامیت‌خواه از نوع استالینی یا فاشیستی در هر دو طیف چپ و راست زمینه رشد پیدا می‌کنند و حال آنکه تکثر اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران، سلطه یک جریان را برنمی‌تابد. ادامه این وضعیت یعنی تداوم دور باطل هرج و مرج و خشونت که نتیجه‌ای جز فروپاشی حیات ملی و اجتماعی را دربرنخواهد داشت. برای پیشگیری از بروز چنین وضعیت وخیمی لازم است نیروهای آگاه سیاسی و اجتماعی مختلف، با پذیرش اصل مدارا و همکاری و برابری حقوق سیاسی و فرهنگی با اتحاد و همبستگی میان خود یک مرجعیت ملی فراگیر و مورد اعتماد جامعه پدید آورند تا نیروی پایدار ملی و اعتماد عمومی (سرمایه اجتماعی) که می‌تواند در خطر اضمحلال قرار گیرد را احیا و بازسازی کند. مردم ایران به رغم این تنوع و تکثر روی ارزش‌های اساسی و مشترک دینی و ملی، توحید، عدالت، همدردی، کار و تقوا و استقلال و فرهنگ ملی و دینی خود وحدت‌نظر داشته‌اند. تنها در ذیل حکومت‌های نظامی و اقتدارگرا و سرکوبگر، این وحدت دستخوش تزلزل شده است. مردم ایران هنر و آداب حفظ وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت را طی هزاران سال زیست و تجربه مشترک فرا گرفته‌اند و اگر زیر فشار شدید و فرساینده و درازمدت قرار نگیرند، در حفظ ارزش‌های مشترک ملی و دینی خود مصر هستند. ضمناً از تاکید بر اهمیت تمرکز فعالیت در عرصه عمومی نباید چنین نتیجه گرفت که اصلاح حوزه قدرت فاقد اهمیت است و نباید هدف مستقیم فعالیت نیروهای اجتماعی و یا موضوع گفت‌وگو میان آنها قرار گیرد. نقش و اهمیت حکومت در همه تحولات درون جامعه، به‌ویژه در جامعه ایران به هیچ‌وجه قابل چشم‌پوشی نیست، هنوز دولت‌ها به لحاظ انباشت انواع قدرت‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی و اطلاعات و تبلیغات قوی‌ترین و تاثیرگذارترین عامل در معاملات سیاسی و اجتماعی تلقی می‌شوند. البته به نسبتی که عرصه عمومی استقلال، قدرت، آگاهی و سازمان‌یافتگی بیشتری پیدا می‌کند، توازن نیرو تدریجاً به سود نیروهای اجتماعی تغییر می‌کند لذا نیروهای سیاسی ـ اجتماعی باید دولت‌ها را نیز به عنوان یک طرف گفت‌وگوی انتقادی مورد توجه قرار دهند. در ضمن به موازات تقویت و توسعه سازوکارهای دموکراتیک، بخشی از محصول فعالیت در عرصه عمومی از طریق نهادهایی نظیر انتخابات آزاد اداری، به درون حوزه قدرت سرریز می‌کند و آن را دستخوش تغییر قرار می‌دهد. به طوری که اگر تا پیش از آن، نیروی محرکه تغییرات فقط در حکومت جای داشت و اصلاحات در بالا تصمیم‌سازی می‌شد و به پایین ـ درون جامعه ـ انتقال پیدا می‌کرد، از آن به بعد منبع نیروهای محرکه تغییر، به جایگاه حقیقی‌شان یعنی در میان نیروهای اجتماعی تغییر مکان می‌دهند و سیاست اصلاحات در عرصه عمومی ساخته می‌شود و علاوه بر مناسبات درون جامعه، حوزه قدرت را هم دربرمی‌گیرد.

■ محورهای گفت‌وگو و تعامل در عرصه عمومی

محور مباحثات در عرصه عمومی پرسش‌هایی است که از یک‌سو مسائل و مشکلات اساسی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه را منعکس می‌کنند و از سوی دیگر دیدگاه‌ها، گرایش‌ها و منافع مختلف را به چالش و گفت‌وگو در برابر هم قرار می‌دهد. از فوری‌ترین مشکلات عمومی مثل فقر و بیکاری، فساد و اعتیاد و فحشا و فقدان آزادی و امنیت آغاز می‌شود و مسائل عمده‌ای چون مشکلات زنان و جوانان را دربرمی‌گیرد و به مسائل عمده‌ای نظیر آزادی، عدالت، توسعه و نوسازی و دموکراسی و حقوق بشر و جهانی شدن گسترش می‌یابد. موضوع مباحثات شامل توضیح و تبیین مسائل و مشکلات، ریشه‌یابی و راه‌حل چگونگی غلبه بر آنها و سپس راهبرد و پیشبرد هدف‌ها و ارزش‌هایی است که مردم عموماً به آنها دل بسته‌اند و زندگی سالم و امن و برخوردار را در گرو تحقق آنها می‌دانند. اضافه کنید موضوع بررسی موانع پیشرفت و علل کندی و تاخیر در گذر به سوی جامعه آزاد، سالم و بالنده و یا علل عدم کامیابی جنبش‌های اجتماعی و کوشش‌های اصلاح طلبانه، بحران هویت و نسبت میان دین و سنت با مقولاتی نظیر دموکراسی، حقوق بشر و تنوع گرایی، آزادی و عدالت و توسعه و مدرنیزاسیون. مباحثات عرصه عمومی نهایتاً به شکل‌گیری جریان‌های عمده فکری ـ فرهنگی و اجتماعی ـ سیاسی می‌انجامد و خودآگاهی و وفاق و همبستگی روی خواسته‌ها و هدف‌ها و ارزش‌های مشترک و فهم و تفسیر سنت، تاریخ و میراث فرهنگ ملی و نسبت آن با پدیده‌های عصر جدید حاصل می‌شود و به موازات آن در سایه تعامل اجتماعی، به‌تدریج آمادگی و توان ذهنی و عملی نیروهای اجتماعی و ایستادگی برای خواسته‌های خود افزایش می‌یابد. محورهای گفت‌وگوی انتقادی با مسئولان نیز عبارتند از ۱- برنامه‌ها و اهدافی که در جریان مبارزات انتخاباتی طرح شده و پیش از رسیدن به قدرت به مردم وعده داده‌اند. ۲- آن دسته از خواسته‌ها، نیازها و مسائل عمومی که از سوی آنان نادیده مانده با بی‌اعتنایی یا مخالفت آنها روبه‌رو شده‌اند. به عنوان مثال از دولت فعلی که ریشه‌کن ساختن فقر و بیکاری، فساد و تبعیض و بی‌عدالتی را در صدر برنامه دولت خود قرار داده است، باید خواست تا به عنوان نخستین گام ضروری برای انجام این برنامه، اطلاعات دقیقی از ابعاد کمی و کیفی فقر و بیکاری و فساد و بی‌عدالتی دراختیار مردم بگذارد و توضیح دهد که چرا با تغییرات انجام شده پس از پیروزی انقلاب باز هم فقر و فساد و تبعیض و بی‌عدالتی همچنان فراگیر است و عمده‌ترین معضل جامعه را تشکیل می‌دهد؟ چه ساز و کار حقوقی و یا حقیقی موجب اعاده این سه آسیب ویرانگر و پلید و شیطانی و بازتولید و تداوم و تشدید آن تا امروز شده است؟ آیا افراد، مدیران و نهادهایی که دست‌هاشان آلوده به فساد و تبعیض است و یا با اتلاف منابع مالی، موجبات فقر و محرومیت اکثریت مردم را فراهم کرده‌اند، از ابتدای قبول مسئولیت در نظام جدید، فاسد و خیانتکار (خیانت در امانت) بوده‌اند، یا بعداً آلوده به این مفاسد شدند؟ و بسیاری پرسش‌ها از این ردیف می‌توانند موضوع گفت‌وگو قرار گیرد. بعد از توضیح علل و عوامل لازم است عاملین را چه در قالب شخصیت‌های حقیقی یا حقوقی به مردم معرفی کنند و سپس روش‌ها و برنامه‌هایی را که برای از بین بردن آنها و تامین امنیت، عدالت و رفاه و سلامت جامعه در نظر دارند، برای مردم تشریح کنند و با شفاف‌سازی فرآیندهای تصمیم‌سازی و سیاستگزاری به مردم امکان دهند تا نقد و ارزیابی خود را از آن برنامه‌ها مطرح کرده، اقدامات مثبت را حمایت، موارد نادرست و کاذب و انحرافی یا غیرشفاف را آشکار کرده و انتقاد کنند. پرسش مهم دیگری که می‌توان طرح کرد و محور یک گفت‌وگوی انتقادی در عرصه عمومی قرار داد این است که چگونه در غیاب نظارت عمومی از طریق نهادها و مناسبات دموکراتیک، می‌توان سیستم را از فساد و بی‌عدالتی و تبعیض پاکسازی کرد و مهم‌تر، از رواج مجدد آنها جلوگیری به عمل آورد؟ این پرسش، خودبه‌خود گفت‌وگو و مباحثات را به موضوع رابطه و تلازم میان عدالت و توسعه پایدار و جامعه سالم و خلاق از یک طرف و آزادی و دموکراسی و امنیت قضایی در سوی دیگر می‌کشاند.

خلاصه مقاله

۱- تکثر نیروها و قشرهای اجتماعی و جریان‌های فکری و سیاسی و قومی ایران و وجود گرایش‌های مذهبی و سیاسی متنوع در میان طیف سنت‌گرایان، اجازه استیلای انحصاری درازمدت جریان افراطی را نمی‌دهد.

۲- برقراری گفت و گو در عرصه عمومی نیازمند برقراری آزادی بیان، امنیت و تامین سطح مناسب و قابل قبولی از رفاه و امنیت اقتصادی و عدالت اجتماعی است.

۳- محور مباحثات در عرصه عمومی پرسش‌هایی است که از یک‌سو مسائل و مشکلات اساسی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه را منعکس می‌کنند و از سوی دیگر دیدگاه‌ها، گرایش‌ها و منافع مختلف را به چالش و گفت‌وگو در برابر هم قرار می‌دهد.

توضیح درباره یک گزارش

شرق: «محمدصفر بیرانوند» دبیرکل سادا در مورد گزارش «آینده سادا در ابهام» توضیحی بدین شرح ارسال کرد: ۱-درخصوص صحبت‌های آقای خوانساری سخنگوی سابق شورای سادا راجع به انحلال چهار تشکل عضو سادا باید گفت: طبق اساسنامه تشکل‌هایی که بیش از یکسال (مدتی عرفی که در اختیار آنها گذاشته می‌شود) انتخابات شورای مرکزی را برگزار ننمایند خود به خود منحل می‌شوند. این نکته را ایشان بهتر از هر کسی دیگر واقف هستند و صحت این ادعا را تبصره ۱ ماده ۲۲ اساسنامه سادا تائید می‌نماید. ۲- مجمع عمومی عادی مورخ ۱۵ دی‌ماه که منجر به اعلام زمان انتخابات جدید سادا شد به دعوت دبیرخانه تشکل‌ها نبوده و نتیجه اجماع نظر تشکل‌های عضو بر ضعف عملکرد شورای مرکزی سابق بوده و اختیار انحلال شورای مرکزی را نیز بند (و) ماده ۱۰ اساسنامه سادا به مجمع عمومی تفویض نموده است و اطلاع یا عدم اطلاع شورای مرکزی در این برهه خدشه‌ای را بر تصمیمات این مجمع وارد نمی‌کند. ۳- در مورد ادعای سخنگوی سابق در خصوص اختیار انحصاری تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده برای شورای مرکزی باید گفت: این اصل در هیچ قسمتی از اساسنامه مشاهده نمی‌گردد و طبق اصول حقوقی کسی که ادعایی را مطرح می‌کند مکلف به اقامه بینه است. ۴- نکته اساسی دیگری که در بیانیه مورخ ۸۴/۱۲/۱۸ به آن اشاره شده مشخص نمودن تاریخ انتخابات توسط مجمع عمومی بدون جلب نظر شورای مرکزی سابق است که باید گفت این تصمیم در نتیجه تخطی و کم‌کاری شورای مرکزی بوده که اساسنامه در تبصره ۵ ماده ۱۵ به صراحت زمان برگزاری انتخابات را اسفندماه هر سال مشخص نموده است و در تبصره ۲ ماده ۱۵ اساسنامه سادا چنین تصریح کرده است که اگر شورای مرکزی قبل از پایان دوره یکساله خود مقدمات انتخابات آتی را فراهم ننماید هیات نظارت مرکزی تصمیم متقضی را اتخاذ خواهد نمود.

استقبال از مذاکره با آمریکا

گروه سیاسی: محمد توسلی رئیس دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران در گفت‌وگو با روز آن لاین از پذیرفتن پیشنهاد حکیم و آمریکایی‌ها درخصوص مذاکره ایران و آمریکا توسط مسئولان ایرانی استقبال کرد. توسلی گفت: با دو رویکرد می‌توان با مشکل خارجی برخورد کرد. یکی ایجاد وحدت و انسجام داخلی، تا ملت با یکپارچگی بتواند در مقابل تهدیدات خارجی مقاومت کند. در بخش خارجی هم توان دیپلماسی‌مان را باید تقویت کرد. کسانی که در این مذاکرات هستند بایستی از توان و تجربه بیشتری برای مذاکرات برخوردار باشند و بتوانند در راستای منافع ملی و واقعیت‌هایی که در منطقه و جهان می‌گذرد ارتباطاتشان را تنظیم کنند. بنابراین هم توانایی تیم مذاکره‌کننده مطرح است و هم تدبیر کسانی که سیاستگزاری می‌کنند. این مسئولیت خطیری است که شورای عالی امنیت ملی و دیگر نهادهای مربوطه برعهده دارند که باید ضمن حفظ منافع ملی با واقع‌بینی با مشکلات برخورد کنند. باید کوشش شود با توجه به تجربیات گذشته بهترین راه‌حل را برای برون‌رفت از مشکل پرونده هسته‌ای پیدا کنند و مناسباتمان را با منطقه و کشورهای موثر جهانی در راستای منافع ملی تنظیم کنند. توسلی همچنین گفت: مذاکره با آمریکا و حل مسئله پرونده هسته‌ای و سایر مسائل جاری در منطقه که ثبات و استقلال و تمامیت ارضی کشور را تضمین کند در راستای منافع ملی ما است و برای نیروهای دموکراسی‌خواه ایران از اولویت برخوردار است. وی افزود: اگر آمریکا و کشورهای اروپایی نسبت به نقض حقوق‌بشر در کشورهایی مثل اسرائیل لااقل سکوت اختیار می‌کنند - اگرچه سازمان‌های حقوق‌بشر هرگز بی‌تفاوت نبوده و جنایات آنان علیه ملت مظلوم فلسطین را به شدت محکوم کرده‌اند- اما چنین مناسبت‌هایی با ایران وجود ندارد. زمینه‌های رعایت حقوق‌بشر در فرهنگ ایرانی و اسلامی و قانون اساسی وجود دارد و سازمان‌های جهانی نیز از مدافعان حقوق‌بشر در ایران دفاع خواهند کرد.

گزارش خبری

با سفر به بحرین آغاز شد

تشدید اقدامات خاتمی برای تقویت اسلام عقلانی

گروه سیاسی: «سیدمحمد خاتمی» رئیس‌